

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)

سال شانزدهم، شماره ۶۰، پاییز ۱۳۸۵

تاریخچه تحول طب سنتی به طب نوین در دوره قاجار

دکتر هایده لاله^۱

راحله وافری^۲

چکیده

ورود اندیشه تجددگرایانه غربی تأثیرات مهمی در ساختارهای جامعه ایران گذاشت. یکی از عرصه‌هایی که به دنبال ورود اندیشه جدید غرب متحول شد، پزشکی بود. می‌توان ورود این اندیشه‌ها را معیاری برای تقسیم بندی طب به دو دوره طب سنتی و طب مدرن قلمداد کرد. حضور طبای فرنگی مسیونرهای پزشکی در دربار قاجاریان، اعزام محصل به اروپا برای تحصیل طب جدید، ایجاد مدرسه طب دارالفنون و تشکیل کمیسیون پزشکی آن، ایجاد مجلس حفظ الصحه، تالیف کتب طبی، تصویب قوانین طبابت از سوی مجلس دوماز جمله عوامل رونق طب جدید در دوره قاجار شد. البته در این دوره نیز طب سنتی در کنار طب جدید به حیات خود ادامه داد.

۱. استادیار گروه باستانشناسی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد

با تقویت جریان تجددگرایی، روند تحول طب سنتی به طب نوین نیز تشدید شد و نمودهای عینی این تحول با تقویت جریان تجددگرایی را می توان در تاسیس بیمارستان های عمومی و تخصصی دوره قاجار به روشنی مشاهده کرد.

با توجه به تحولات و دگرگونی های اساسی در مسیر طب و طبابت در دوره قاجار این مقاله درصدد پاسخگویی به پرسش های زیر است:

۱ - طبابت سنتی چه ویژگی هایی داشت و چرا نتوانست نیازهای درمانی جامعه قاجار را برآورده سازد؟

۲ - چه عواملی در تاسیس بیمارستان ها به شیوه های جدید در تهران دوره قاجار موثر بودند؟

۳ - نقش اطبا خارجی یا اطبا ایرانی در اداره بیمارستان ها چه بوده است؟ پاسخ واقع بینانه به پرسش های مطرح شده در این پژوهش کمک می کند تا به تاریخچه تحول طب سنتی و عبور پر فراز و نشیب آن تا رسیدن به طب نوین پی برده و زمینه هایی که برای شکل گیری یک نظام درمانی مناسب با نیاز و شرایط اجتماعی و فرهنگی شده بود را بازسازی کنیم.

بدین منظور نخست به دستاوردها و پیشرفت های علمی که علت عمده روی آوری به تمدن نوین بود، پرداخته و سپس در همین رابطه به اوضاع اجتماعی ایران روزگار قاجار می پردازیم.

واژه های کلیدی: طب سنتی، طب نوین، قاجاریان، تهران، تیمارستان

مقدمه

مرحوم علی اکبر دهخدا طب و طبابت را در فرهنگ لغت خود چنین تعریف می کند:

«طب در لغت به معنی علاج جسم و نفس می باشد. علم طب علمی است درباره بدن آدمی از لحاظ تندرستی و بیماری، به منظور حفظ صحت (سلامتی) و از بین بردن مرض گفتگو می شود و موضوع آن بدن انسان است و هر آنچه بر بدن مشتمل شود. طبابت که مترادف با معالجه پزشکی می باشد، به کار درمان کردن و علاج گویند و نیز عمل شفا بخشیدن بیماری با دوا (و هر چیز دیگر) را طبابت و معالجه می گویند.»

به عقیده بوعلی سینا «طبابت علمی است که حالات بدن آدمی بدان شناخته می شود و این علم برای نگهداری بدن در حال صحت می باشد و آن را می توان به دو قسمت طب عقلی و نظری تقسیم نمود.» (نجم آبادی، ۱۳۲۸، ۸)

با توجه به تعاریف فوق، می توان چنین در نظر گرفت که طب علم تندرستی انسان است و طبابت عمل به این علم.

اطلاعات ما در مورد طبابت و پزشکی از گذشته های دور به خصوص قبل از اختراع خط موثق نیست. بعد از اختراع خط و به وجود آمدن تمدن های بزرگ همچون سومر و بابل و تدوین قوانین حمورابی، اطلاعات پزشکی و درمانی نیز شکل کامل تری به خود می گیرد. (سرمدی، ۱۳۷۸، ۱۳-۱۵)

قراین و اسناد مکتوب تاریخی بیانگر آن است که طب و پزشکی ایران به شکل پیشرفته آن به دوران پیش از اسلام بازمی گردد. مورخان و خاورشناسان بر این باورند که در داستان های کهن ایرانی آغاز و معرفی طب را به جمشید - پادشاه اساطیری ایران - نسبت داده اند و او اولین کسی بود که استفاده از دارو را به مردم آموخت. (تاج بخش، ۱۳۷۵، ۱/۱۳۸) طب ایرانی پس از ظهور اسلام با طب اسلامی یکی شد، در این بین اطبای ایرانی سهم بسیار بزرگی در طب اسلامی داشته و اصولاً نمی توان گفت این دو یعنی طب ایرانی و اسلامی از یکدیگر مجزا می باشند. (نجم آبادی، ۱۳۵۳، ۲/۱)

طب اسلامی از سه منبع مهم و اساسی دنیای پیش از اسلام برخوردار بوده است که عبارتند از: طب یونانی، طب ایرانی و طب هندی (سرمدی، ۱۳۷۸، ۱/۲۲۲) اصولاً طب اسلامی در دنبال طب

ایران و یونان می باشد به گونه ای که دانشمندان طب اسلامی از کتب و آثار دانشمندان یونانی و ایرانی و هندی بهره برده اند. (نجم آبادی، ۱۳۵۳، ۲/۱۱۲) با ظهور اسلام و روی کار آمدن بنی امیه طب و علوم وابسته به آن پیشرفتی حاصل نکرد و این به دلیل جنگ های مداوم و فتوحات آنها بود اما طب اسلامی از نیمه اول قرن دوم هجری قمری تا اواسط قرن سوم هجری قمری (انقراض بنی امیه و روی کار آمدن عباسیان در بغداد) پیشرفت کرد به گونه ای که بغداد مرکزیت علمی یافت و از اهمیت گندی شاپور کاسته شد، که این امر در سده های سوم و چهارم بیشتر محسوس گردید. (همان، ۱۴۵)

اما از اوایل قرن سوم تا حمله مغول دوران جدیدی در طب اسلامی آغاز شد زیرا در این دوران تالیفات کتب طبی توسط کسانی که اغلب ایرانی بودند، صورت می گرفت. (همان، ۳۱۰) تا اینکه نخستین پزشک بزرگ ایرانی علی بن ربن طبری در اواخر قرن دوم و نیمه اول قرن سوم هجری قمری به دربار خلفای عباسی راه یافت و به این صورت درخشان ترین دوره طب اسلامی که ایرانیان در گسترش آن نقش عمده ای داشته اند، شکل گرفت. (سرمدی، ۱۳۷۸، ۲۲۲-۱/۲۲۳)

در دوره مغول نیز اطبای فراوانی به طبابت و خدمت به مردم مشغول بودند، از جمله خواجه رشید الدین فضل الله همدانی (۶۴۵ - ۷۱۸ ق) که از سیاستمداران و دانشمندان زمان خود به شمار می رفت. او که در دوزه آباقاخان در دربار مغول مشغول طبابت بود مجموعه بزرگ ربیع رشیدی را احداث کرد که علاوه بر مداوای بیماران، آموزش فراگیران طب نیز در بیت التعلیم این مجموعه صورت می گرفت. (بروشکی، ۱۳۶۵، ۱۳۴-۱۳۷) از عهد صفویه تا آخر سلطنت فتحعلیشاه قاجار طب ایران دوره فترت را سپری نمود. طبابت در دوره صفویه هرچند به لحاظ علمی رشد کافی نداشت اما مسابیل و وقایع اجتماعی و سیاسی زیادی را با خود به همراه داشت. مهاجرت طبقه خاص اطبا به کشور هند، ورود هیات های تجاری شرکت هند شرقی و همچنین آمدن هیات های مذهبی مسیحی به ایران باعث شد که پای طب غربی به ایران باز شود. (الگود، ۱۳۵۷، ۶۹)

در دوره افشار و زندیه هم پیشرفت قابل توجهی حاصل نشد. طبیبان فرنگی کمابیش در ایران تردد داشته اند و نادر شاه به درمان آنان اعتقاد فراوان داشته است.

در دوره قاجار و خصوصا در دوره ناصری با این که تحولات چشمگیری در امر آشنایی با پزشکی نوین صورت گرفته بود وضعیت بهداشت و درمان شهرها به دلایل مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از موقعیت خوبی برخوردار نبود و مردم ایران دارای مشکلات فراوانی بودند. به گونه ای که در تهران آب های مشروب از جوی های سرریز و نیمه پوشیده در وسط خیابان جریان می یافت. در جای جای مسیر قنات توسط مردم پایاب هایی ایجاد شده بود که برای شستشو از آب عمومی آن استفاده می شد. (سرن، ۱۳۶۲، ۶۳)

با توجه به تحولات و دگرگونی های اساسی در مسیر طب و طبابت در دوره قاجار این مقاله برای یافتن پاسخ پرسش های ذیل به تحریر درآمده است:

۱- طبابت سنتی چه ویژگی هایی داشت و چرا نتوانست نیازهای درمانی جامعه قاجار را برآورده سازد؟

۲- چه عواملی در تاسیس بیمارستان ها به شیوه های جدید در تهران دوره قاجار موثر بودند؟

۳- نقش اطبا خارجی یا اطبا ایرانی در اداره بیمارستان ها چه بوده است؟

پاسخ واقع بینانه به پرسش های مطرح شده در این پژوهش کمک می کند. تا به تاریخچه تحول طب سنتی و عبور پر فراز و نشیب آن تا رسیدن به طب نوین پی برده و زمینه هایی که برای شکل گیری یک نظام درمانی مناسب با نیاز و شرایط اجتماعی و فرهنگی فراهم شده بود را بازسازی کنیم.

با شناسایی مراکز درمانی در دوره قاجار و تاثیر شرایط سیاسی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی آن دوره بر این بناها می توان به نقش موثر بانیان و پیشگامان ورود طب نوین به ایران پی برد. در این صورت جامعه پزشکی اطلاعات لازم از چگونگی تاریخچه علم پزشکی در ایران خواهد یافت و علاقمندان به آثار تاریخی و فرهنگی ایران نیز این بناهای درمانی را صرفا به عنوان یک مرکز پزشکی در نظر نگرفته بلکه به عنوان یک اثر تاریخی - فرهنگی مورد توجه قرار خواهند داد.

بدین منظور نخست به دستاوردها و پیشرفت های علمی که علت عمده روی آوری به تمدن نوین بود، پرداخته و سپس در همین رابطه به اوضاع اجتماعی ایران روزگار قاجار می پردازیم.

مراکز پزشکی - درمانی در عهد قاجار

سلسله قاجار که با تاجگذاری آغا محمد خان (۱۲۱۰ق) در تهران به طور رسمی آغاز شد و تا سال ۱۳۴۴ ق (۱۳۰۴ ش) که احمد شاه آخرین پادشاه این سلسله از سلطنت برکنار گردید، حدود یکصد و سی و چهار سال قمری و یک صد و سی سال خورشیدی به طول انجامید. (المبتون، ۱۲۷) در این زمان است که طب جالینوسی و ابن سینایی جای خود را به طب نوین و پاستوزی (ویروس‌شناسی) می‌دهد. (الگود، ۱۳۵۶).

در طول فرمانروایی آغا محمد خان و نیز حکومت ۵۲ ساله فتحعلیشاه و محمد شاه هیچ گونه بیمارستانی، در تهران ساخته نشد. فقط در زمان فتحعلیشاه دارالشفای فتحعلیشاهی در تهران احداث گردید.

با تروک محمد شاه (۱۲۶۴ ق). ناصرالدین شاه به کمک میرزا تقی خان امیر کبیر به سلطنت رسید. ناصرالدین شاه در طول حکومت پنجاه ساله خود سه بار به فرنگ مسافرت کرد. با سفر اول شاه به اروپا فضل جدید در تاسیس بناهای صحتی و درمانی در تهران آغاز شد. به طوری که از مجموع سیزده بیمارستان و دارالشفای ساخته شده در زمان قاجار پنج بیمارستان و دو دارالشفا در زمان حکومت ناصرالدین شاه احداث گردیدند. اما با آمدن مظفرالدین شاه (۱۳۱۳ - ۱۳۲۴ ق) ساخت بناهای درمانی کاهش چشمگیری یافت به گونه ای که در طول یازده سال حکومت وی فقط یک بیمارستان در تهران احداث گردید. در زمان محمد علی شاه (۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ ق) ساخت بناهای درمانی (بیمارستان یا دارالشفای) گسترش چندانی نداشت، تنها بنایی که در زمان وی وقف شد بیمارستان وقفی شفا یحیایان بود. در دوره سلطنت ۱۶ ساله احمد شاه (۱۳۲۷ - ۱۳۴۳ ق) دو بیمارستان به نام های نظامیه احمدیه در محل قورخانه قدیمی و بیمارستان زنان و کودکان در خیابان سعدی ساخته شدند. البته پس از انتقال بیمارستان زنان و کودکان به خیابان شاه رضا (انقلاب) در محل آن بیمارستان امیر اعلم تاسیس شد. در نتیجه از مجموعه سیزده بنای درمانی ساخته شده در

زمان قاجار یک دارالشفای قبل از سلطنت ناصرالدین شاه (دوره فتحعلیشاه) و بقیه بعد از روی کار آمدن ناصرالدین شاه ساخته شدند.

هیئت های نظامی و سیاسی که در زمان قاجار به ایران می آمدند، با خود پزشکانشی نیز می آوردند. این خود سبب شد دربار و طبقه اشراف با پزشکی جدید آشنا شوند و به اهمیت آن پی ببرند. بسیاری از محصلین نیز برای تحصیل پزشکی به خارج اعزام شدند. پس از گسیختن روابط ایران و انگلیس در سال ۱۲۵۴ ق، خانواده های سلطنتی پزشکان فرانسوی را استخدام کردند. از طرفی چون در ایران هیچ نوع خدمات پزشکی و بهداشتی به مردم ارائه نمی شد از این پزشکان به خوبی استقبال می شد. (قاسمی پویا، ۱۳۷۷، ۳۱)

در میان کشورهای اروپایی در زمان قاجار، کشور فرانسه از لحاظ پزشکی شرایط ویژه ای داشت. پیشرفت های پزشکی کشور فرانسه تا پایان قرن سیزدهم قمری به دلیل تأسیس دانشسرای عالی پاریس و دانشکده پزشکی در این کشور بود. از این رو در روزگار قاجار و سال ها پس از آن، بیشترین محصلین به این کشور فرستاده شدند. بدین ترتیب فرانسه و به دنبال آن اتریش و آلمان بیشترین تاثیر را بر حیات اجتماعی مردم آن دوران برجا گذاشتند.

تاثیر پزشکی فرانسه در تحولات طب نوین ایران بسیار چشمگیر بوده تا جایی که طب جدید را پزشکان فرانسوی در ایران پایه گذاری کردند. در مجموع اهم تاثیرات پزشکی فرانسه بر ایران را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) تشکیل شورای صحتی از سال ۱۳۱۰ ق پزشکان فرانسوی مقیم تهران هر از چند گاه برای بحث و بررسی مسایل بهداشتی تشکیل جلسه می دادند و در نهایت منجر به تشکیل شورای صحتی ایران گردید که هدف اصلی آن تأمین بهداشت برای همگان بود. (غفاری، ۱۳۶۸، ۱۰۲-۱۰۳)

ب) تأسیس بیمارستان ها و درمانگاه ها کوشش پزشکان فرانسوی در جهت استقرار مراکز پزشکی - درمانی قابل توجه است (همان، ۱۰۴). از میان پزشکان فراوان فرانسوی که مدتی از دوران طبابت خود را در ایران دوره قاجار سپری کرده اند به نام های بزرگی چون دکتر شنیدر،

دکتر طولوزان، دکتر فوزیه، دکتر راثولد برمی نخوریم که تلاش فراوانی در تاسیس مراکز درمانی به ویژه ارتقاء سطح بهداشت عمومی مردم ایران داشتند.

تاریخچه طبابت در ایران دوره قاجار

برای بررسی تاریخچه طب و طبابت در ایران دوره قاجار می باید آن دوره را به چند قسمت مجزا تقسیم کرده سپس ویژگی های هر قسمت را به طور دقیق بررسی نمود. بی شک تاسیس مدرسه دارالفنون و تاثیر آن بر شرایط علمی آن دوره به ویژه علم پزشکی، نقطه عطفی در گرایش به علوم جدید و در سایه آن طب نوین در کشورمان می باشد. از این رو برای بررسی طبابت در دوره قاجار به بررسی طب و طبابت در پیش و پس از تاسیس دارالفنون می پردازیم. البته به جهت درک بهتر از طب سنتی ایران و تاثیرات مدرسه دارالفنون بر این علم و نیز شرایط طب سنتی در دوره قاجار، در ابتدا طب سنتی را بررسی می کنیم.

طب سنتی ایران

برای روشن ساختن و شناخت طب سنتی ایران باید قبل از هر چیز معنی و مفهوم آنرا معلوم کنیم. طب سنتی ایران طب عطاری های کوچک و بازار نیست بلکه میراث گرانهایی از پزشکی قدیم ایران است. اصول این مکتب پزشکی به طور کامل در تالیفات پزشکان مشهور جهان منعکس است. طب سنتی یک پدیده نوظهور و بی اساس نیست، بلکه سابقه چند هزار ساله دارد این طب دنباله پزشکی قدیم یونان بوده که برجسته ترین نماینده آن بقراط پزشک معروف یونانی است. اروپاییان او را پدر علم طب و پزشکان دوران حکومت خلفای عباسی، او را امام الاطبا یعنی پیشوای پزشکان لقب داده اند (مصطفوی، ۱۳۵۸، ۹). بقراط ۱۵۰۰ سال پیش از ابن سینا می زیسته و خود بقراط نیز وارث گنجینه گرانهایی از معلومات پزشکی زمان های قدیمتر بوده و مبانی آن به پزشکی کهنسال مصر، کلد، بابل، چین، هند و ایران می رسد که این مبانی در ژرفای زمان و در تاریکی قرون و اعصار ناپدید می باشد. (همان، ۲۱-۲۲)

محسن روستایی در کتاب تاریخ طب و طبابت به نقل از عبدالله احمدیه ویژگیهای طب سنتی را چنین بیان می‌دارد: «طب سنتی ایران به دو قسمت طب نظری و طب عملی طبقه بندی می‌گردد. در طب نظری کلیه اصول و مطالبی که برای تشخیص ضروری است، مورد بررسی قرار می‌گیرد و در طب عملی یا علم تدابیر، مسایل مربوط به روش های مختلف درمانی مانند رژیم غذایی، دارو، حرکت های بدنی، مسایل فکری و روانی کلیه مطالب لازم برای درمان مورد بحث قرار می‌گیرد. در طب سنتی ایران هر مریض شخصیت خاصی است که باید هنگام استفاده از دارو و درمان این شخصیت مورد توجه قرار گیرد. به کارگیری این داروها برحسب شدت و ضعف بیماری و نیز جنسیت، سن و حرفه و طبیعت خاص بیمار فرق خواهد کرد. مهم تر از همه آنکه باید فهمید بیمار، زاده و اهل کدام شهر و منطقه است. آیا زادگاهش در مناطق خشک، مانند یزد، کرمان و کاشان است، یا در مناطق مرطوب همچون گیلان و مازندران؟ ... باید از نوع خوراک و سبک زندگی او آگاهی یافت، آنگاه با مطابقت وضعیت خاص او نسخه داد. نکته مهم دیگر آن است که پزشک توجه به امکانات مالی و منطقه ای و وسع بیمار را نیز نکند.» (روستایی، ۱۳۸۲، ۱/۳۴۴).

در دوران قاجار فقط طبیبان به کار طبابت نمی پرداختند بلکه برخی سلمانی ها نیز به کار طبابت مشغول بودند. این افراد خود دو گروه بودند: اول سلمانی هایی که به صورت دوره گرد در شهرها و یاروستاهای مختلف به این کار مشغول بودند، دوم سلمانی هایی که دکان دار بودند و در دکان خود علاوه بر سلمانی به برخی امور طبی نظیر حجامت، رنگ زنی و کشیدن دندان می پرداختند. (شهری، ۱۳۶۸، ۶۸۹-۶۹۰، ۲/۶۹۶)

در مورد طب سنتی رایج در ایران عهد قاجار، اطبا و سیاستمداران خارجی که در آن دوران در ایران مشغول خدمت بودند و نیز برخی محققان ایرانی که اوضاع اجتماعی دوران قاجار را بررسی کرده اند، نظرات و عقاید فراوانی ارائه داده اند و همگی به کمبود وسایل و امکانات پزشکی نوین، اماکن مجهز و پزشکان متخصص اذعان داشته اند.

برای بررسی دقیق تر ویژگی های طب سنتی و تفاوت آن با طب نوین به علت نقش موثر مدرسه دارالفنون در اشتقاق این دو روش معالجه بیماران، به بررسی طب و طبابت پیش و پس از تاسیس دارالفنون می پردازیم.

طب و طبابت پیش از دارالفنون

پیش از تشکیل دارالفنون، با وجود این که در زمان عباس میرزا نایب السلطنه، کسانی برای تحصیل طب جدید به اروپا رفته بودند، اما در وضع طب و طبابت تغییری حاصل نشده بود. قانون در طب بوعلی و شرح اسباب نفیسی، کتب معتبر کلاسیک، به شمار می رفتند. برای تحصیل طب مکتب بخاصی وجود نداشت و شاگردان پس از طی مقدمات اولیه و خواندن صرف و نحو به تحصیل حکمت الهی (فلسفه) و در مطب پزشکان قدیمی شهر که از نظر درمان بیماری ها حسن شهرت داشتند، به فراگرفتن طب می پرداختند و هر کس می توانست پس از کسب اطلاعات مختصر در مورد طب به درمان بیماران می پرداخت.

با این اوضاع و شرایط در عهد قاجار و پیش از تاسیس دارالفنون راه های گوناگونی برای تحصیل طب توسط علاقمندان به آن وجود داشت. برای درک بهتر، این راه ها را می توان به سه قسمت تقسیم کرد:

نخست مطالعه و آموزش آزاد توسط علاقمندان به تحصیل طب. از کتب طبی پیشینیان. دوم طلبگی و زحمت استاد کشیدن و در مرور زمان دستورات استاد را فرا گرفتن و عمل کردن به آن و سوم طبابت از طریق میراث، اگر طبیبی می مرد پسر یا شاگردش بر جایش می نشست و با در اختیار داشتن کتاب و یادداشت های حکیم متوفی که بهترین سند اطلاع و محکم ترین گواهی نامه طبابت او به شمار می آمد به طبابت می پرداخت (شهری، ۱۳۷۱، ۲/۲۷۴)

از دیگر مواردی که در طب پیش از دارالفنون می توان به آن اشاره کرد، زواج پرداخت حق القدم (مشابه حق ویزیت کنونی) به اطبای آن زمان بوده است. به رغم آنکه برخی از مورخین سخن از این نکته گفته اند که در مواردی حق القدم به طبیب معمول نبوده است. (مستوفی، ۱/۵۲۸)

اما خانم کارلا سرنا می نویسد:

«حکیم های وطنی معمولا کسی را به رایگان معالجه نمی کردند و از هر مریضی که دیدن می کردند حتی از بیماران فقیر حق القدمی ولو ناچیز مطالبه می کردند.» (سرنا، ۱۳۶۲، ۱۳۱)

این وضعیت تا زمان سلطنت ناصرالدین شاه و صدارت امیرکبیر ادامه داشت. قبل از آن در ایران بیمارستانی ساخته نشده بود و بیماران به طور سرپایی و یا در منزل درمان می شدند. داغ کردن، فتیله گذاری، خال کوبی و مخصوصا خون گیری از رگ های مختلف، شیوه های عادی طبابت آن روز بوده است تا اینکه ناصرالدین شاه برای آنکه تحولی در وضعیت طبابت و تحصیل طب ایجاد شود به دکتر کلوله حکیم باشی مخصوص خود که از سال ۱۲۶۲ ق در دربار محمد شاه و سپس ناصرالدین شاه طبابت می کرد دستور می دهد تا به عهده ای طب جدید را تعلیم دهد. (روستایی، ۱۳۸۲، ۱/۷۳)

طب و طبابت پس از تاسیس دارالفنون

تاسیس دارالفنون یکی از عوامل استوار و پراهمیت ارتباط فرهنگی ایران و ملل اروپا و تمدن جدید بود. از طرفی دوره سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین شاه مصادف بود با دوره ترقیات سریع علمی و صنعتی ممالک اروپایی، داشتن صدر اعظمی همچون امیرکبیر نیز به پیشرفت ایران در زمینه های مختلف علمی و صنعتی کمک کرد.

امیر صلاح را بر آن دید که راز فرستادن محصل به اروپا خودداری شود و مدرسه ای به همان سبک، با برنامه فرنگ و با معلمین فرنگی در ایران ایجاد گردد، تا هم شمار زیادتری از ایرانیان بتوانند به تحصیلاتی بالاتر از سطوح مقدماتی بپردازند و هم از خرج زیاد جلوگیری به عمل آید. (نوائی، ۱۳۶۴، ۵۰۴)

نخستین خبر آن در روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره ۲۹ مورخه پنجشنبه ۲۳ شوال ۱۲۶۷ ق منتشر شد. محل آن در شمال شرقی ارگ شاهی است و روز یکشنبه پنجم ربیع الاول ۱۲۶۸ ق سیزده روز پیش از قتل امیرکبیر، مدرسه به طور رسمی افتتاح شد. در ابتدا علوم می که در آن تدریس می شد

مهندسی، دواسازی، طب و جراحی، توپخانه، پیاده نظام، سواره نظام و معدن‌شناسی بود (قاسمی، ۱۳۷۷، ۹۰-۹۴)

از ابتدای تأسیس دارالفنون تا سال ۱۳۳۷ ق آموزش طب در مکانی به اسم کلاس طبی که یکی از شعبات دارالفنون بود، ارائه می‌شد. از محرم سال ۱۳۳۷ ق (آبان ماه ۱۲۹۷ ش) رشته طب به عنوان علمی جدا از سایر علوم و فنون مورد تدریس در مدرسه، از دارالفنون جدا شد و به صورت مدرسه‌ای مستقل از نظر تشکیلات و ساختار درآمد و مکان آن به داخل حیاط دارالفنون که آنرا حیاط نظام می‌گفتند منتقل شد.

تأسیس مدرسه طب مروهون زحمات دکتر شنیدرز و حسن نیت پزشکان دیگر فرانسوی بود که تدریس رشته‌های مختلف پزشکی را به عهده گرفته بودند در آن زمان علاوه بر معلمین ایرانی چند نفر معلم اروپایی نیز بعضی مواد آن را تدریس می‌کردند مانند: مسیو مونت معلم گیاه‌شناسی پولاک معلم امراض داخلی و ویلهم معلم امراض خارجی (غفاری، ۱۳۶۸، ۱۰۳-۱۰۴).

باکشته شدن ناصرالدین شاه رونق و اعتبار مدرسه دارالفنون کاهش یافت و در دوره جانشین او یعنی مظفرالدین شاه نیز به علت بیماری و ناتوانی جسمی و روحی وی رسیدگی و حمایت از دارالفنون کمتر شده بود. این خود موجب عدم استقبال مردم در ورود به دارالفنون بود. بنابراین بسیاری از کسانی که می‌خواستند طب و طبابت را بیاموزند به نزد اطبای مشهور شهر می‌رفتند و به این صورت مکاتب چهارگانه طب که در واقع در مقابل مدرسه طب دارالفنون بود به وجود آمد (راهنمای دانشکده پزشکی ...، ۱۳۳۲/۵۴). این مکاتب چهارگانه در واقع در مطب چهار نفر از اطبای مشهور و حاذق دوره قاجار بود که در حکم محلی برای آموزش طبابت به فراگیران در آمده بودند. چون در این چهار مکتب راه رسیدن به حرفه طبابت کوتاهتر و آسانتر بود بیشتر افراد این راه را انتخاب می‌کردند این مکاتب عبارت بودند از (همان جا):

۱- مکتب میرزا زین العابدین خان مومتن الاطبا

۲- مکتب میرزا ابوالحسن خان بهرامی

۳- مکتب میرزا علی اکبر خان ناظم الاطبا

۴- مکتب میرزا سید حسین خان نظام الحکما (هنجن)

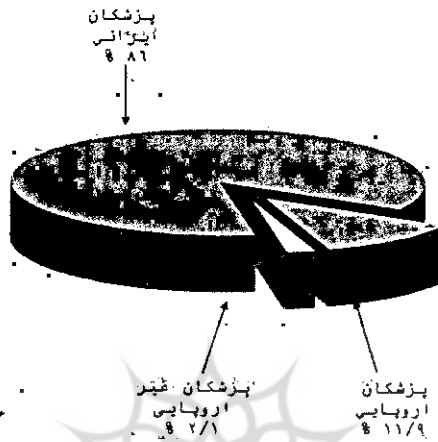
در مجموع از مدرسه طب دارالفنون در مدت ۴۴ سال دوران سلطنت ناصرالدین شاه در حدود ۱۰۰ نفر در ۱۲ دوره فارغ التحصیل شدند (هدایتی، ۱۳۸۱، ۶۲)

فارغ التحصیلان طب دارالفنون از عنوان دکتر استفاده نمی کرده اند و این اطبایی بوده است که در فرهنگستان تحصیلات خود را تکمیل و در آن جا به مقام دکتری نایل شده بودند. کلمه دکتر را هم برخلاف امروز همیشه بعد از اسم شخصی ذکر می کرده اند مانند میرزا رضا دکتر. (راهنمای دانشکده پزشکی، ۳۲)

دروس طبقه طب دارالفنون به سه قسم مجزا تقسیم می شد: طب فرنگی طبیعیات و داروسازی و طب ایرانی که هر قسمت معلمان جداگانه ای داشت (همان، ۴۲)

با آمدن دکتر پولاک آموزش طب فرنگی در دارالفنون آغاز گردید و ظاهرا پس از وی دکتر شلمیر هلندی و دکتر طولوزان فرانسوی و سپس دکتر آلبو آلمانی عهده دار تدریس طب فرنگی بوده اند. اما مدرسه دارالفنون طب سنتی را نیز آموزش می داد. منظور از طب سنتی (ایرانی) خواندن و تدریس شرح اسباب نفیسی و قانون بوعلی بوده است. زمانی هم که علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه به ریاست مدرسه رسید توجه به طب قدیم ایرانی را در دارالفنون فرا گرفته و سپس به اروپا رفته و در طب اروپایی مهارت کسب کرده بودند بیش از سایر اطبا در جهت پیشبرد اهداف مدرسه مفید واقع شدند و به جریان کار مدرسه در ترجمه و تالیف کتب پزشکی کمک شایانی کردند. زیرا این دانش آموختگان چون به اصطلاحات رایج علم قدیم دسترسی داشتند آنها را به خوبی ترجمه و به کار می برند. بنابراین به علت مفید بودن آموزش طب ایرانی قبل از فراگیری طب اروپایی، در دارالفنون طب ایرانی نیز شروع به تدریس شد. این اقدام از آن جهت بود که در آغاز امر مردم از معالجه بیماری ها براساس طب اروپایی آگاهی نداشتند. بنابراین مقرر شد که شاگردان، طب ایرانی را هم آموزش ببینند که در عمل نیز نتیجه خوبی حاصل شد. (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴، ۱/۲۸۴) ماحصل این آموزش ها پزشکانی بودند که در طول دوره قاجار عهده دار طبابت مردم بودند. البته تمام این پزشکان ایرانی نبودند، از بین پزشکان خارجی مقیم ایران اروپاییان

حضور چشمگیر تری داشتند. (نمودار شماره ۱) از بین کشورهای اروپایی نیز این فرانسویان بودند که به علت مناسبات نظامی و سیاسی خود با ایران، دارای اطباء بیشتری در این کشور بودند.

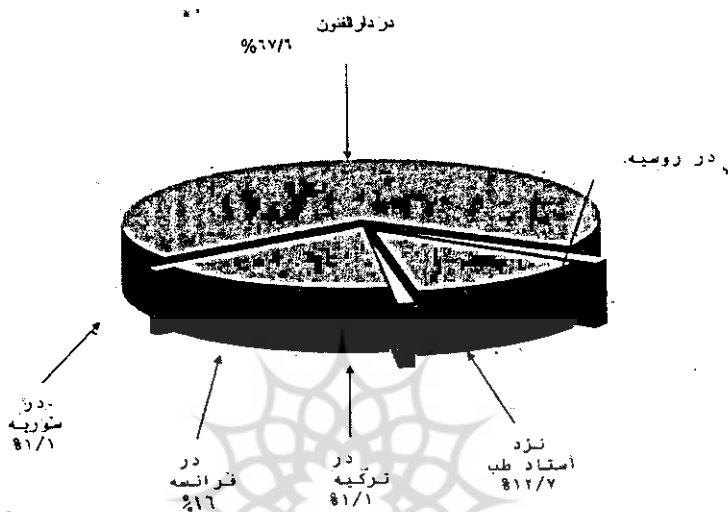


نمودار شماره ۱. ملیت اطباء دوره قاجار در ایران

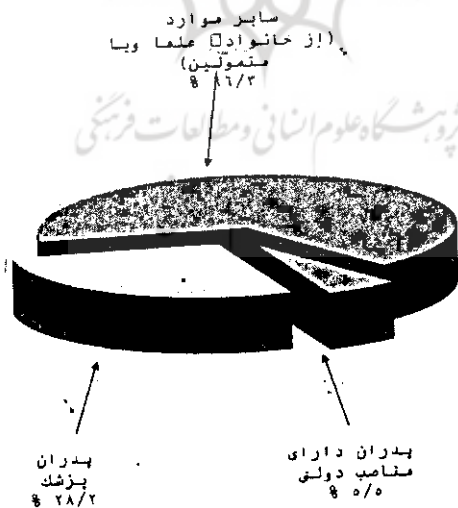
تا پیش از تاسیس دارالفنون بیشتر پزشکان به شیوه سنتی طبابت می‌کردند و اغلب آنان در محضر اساتید پزشکی زمان خود، به آموختن طبابت و نسخه نویسی می‌پرداختند، اما با تاسیس دارالفنون و آمدن پزشکان اروپایی به ایران طبابت شکل نوینی به خود می‌گیرد به گونه‌ای که در بیش از دو سوم پزشکان این دوره در مدرسه طب دارالفنون طب را آموخته و کمتر از یک سوم آنها برای تکمیل علوم طبی خود به کشورهای اروپایی خصوصاً فرانسه مسافرت کرده‌اند و تعداد کمی نیز به سایر کشورها از جمله ترکیه، روسیه و سوریه برای آموختن طب رفته‌اند. (نمودار شماره ۲)

در حدود یک چهارم از کسانی که به آموختن طب می‌پرداختند از خانواده‌هایی بودند که پدران پزشک داشتند و تعداد کمی از آنان نیز پدرانشان دارای مناصب دولتی بوده‌اند و بقیه افراد

که بیش از نیمی از پزشکان را تشکیل می دهد، کسانی هستند که از خانواده های علما و یا متمولین بوده که اغلب با مخارج خود به اروپا رفته و به آموختن طب می پرداختند. (نمودار شماره ۳)



نمودار شماره ۲. مکان های تحصیل اطباء ایرانی در دوره قاجار



بی شک تاسیس دارالفنون در ایران تاثیرات گوناگونی در جنبه های مختلف داشته است که به برخی از مهم ترین آثار و نتایج تاسیس دارالفنون در زمینه بهداشت عمومی و نظام مند شدن امور پزشکی اشاره خواهیم کرد. این وقایع سرآغازی بودند بر گذر طب و طبابت ایران از طب سنتی به سوی پزشکی نوین.

الف - داشتن تصدیق برای طبابت

پیش زمینه این موضوع به زمان صدارت امیر کبیر باز می گردد. در سال ۱۲۶۷ ق برای اولین بار در تاریخ ایران بنا شد طبیبان برای انجام کار خود تصدیق طبابت بگیرند تا هر کس اسم طبیب را روی خود نگذارد. در سال ۱۲۶۸ ق دکتر پولاک و بعد از او دکتر طولوزان مامور شدند بر کار طبیبان نظارت کرده و به آنها تصدیق (گواهی نامه) طبابت بدهند. (آدمیت، ۱۳۵۴، ۳۳۶)

از کسانی که رشته طب را با برنامه آن زمان به پایان می رساندند، امتحاناتی به عمل می آمد. در صورت قبول شدن گواهینامه به فارغ التحصیلان اعطا می شد. این گواهینامه چهار خانه داشت و هر خانه مربوط به قسمتی از رشته طب بود که بعد از امتحان توسط استاد پر می شد. این دیپلم به نام دیپلم چهار خانه معروف بود که صاحبش می توانست با آن طبابت کند. (هدایتی، ۱۳۸۱، ۶۲)

علاوه بر گواهی نامه چهار خانه به فارغ التحصیلان دوره طب یک اجازه نامه طبابت می دادند که در آن تاریخ اجازه شروع به طبابت هر فرد ذکر می شد.

ب - اولین مجمع پزشکان

در سال ۱۲۷۷ ق نخستین مجمع پزشکی اطبا به فرمان ناصرالدین شاه تشکیل گردید. این کمیسیون که شاید بتوان آن را سرآغاز همایش های بازآموزی پزشکی فعلی دانست، هفته ای یکبار تشکیل می شد و اطبا به متبادره در امور بهداشتی و طبیبی می پرداختند. شاگردان دارالفنون نیز در این مجمع حضور یافته، علاوه بر بهره بردن از مباحث مطروحه، گاه مورد سوال اطبا قرار می گرفتند.

ج - شکل‌گیری انجمن‌های بهداشتی

سومین و آخرین نتیجه تاسیس مدرسه دارالفنون در زمینه بهداشت عمومی که در این مقاله به آن اشاره می‌گردد شکل‌گیری جمعیت‌ها و مجالسی است که با بهداشت عمومی (صحبیه عمومی) مربوط بوده و به نوعی اهداف آنها بهبود و حفظ سلامت در جامعه پیشگیری از بروز بیماری‌ها و مبارزه با بیماری‌ها و شرایط ویژه پیدایی بیماری‌های همه‌گیر بوده است. این جمعیت‌ها را می‌توان به سه قسمت تقسیم نمود: مجالس حفظ‌الصحة، انستیتو پاستور و جمعیت شیر خورشید سرخ که در مورد هر یک توضیح مختصری داده می‌شود.

۱- مجالس حفظ‌الصحة

این مجالس که برای کنترل وضعیت بهداشت در کل کشور ایجاد شدند بسته به اهداف خود و وظایف مشخص شده به نظارت بر بهداشت عمومی و کنترل بیماری‌های مسری می‌پرداختند.

۲- انستیتو پاستور

دومین جمعیت یا مجلس که در زمان قاجار به کار کنترل و بهبود وضعیت بهداشت عمومی مردم مشغول بود و به نوعی پیدایش آن از نتایج تاسیس مدرسه دارالفنون بوده است. انستیتو پاستور می‌باشد. انستیتو پاستور موسسه‌ای علمی است که مأمور تهیه اقسام واکسن و معالجه‌های و تجزیه‌های باکتریولوژی و شیمیایی مختلف و امتحانات میکروسکوپی و شیمیایی موسسات دولتی و غیردولتی و حتی اطباء می‌باشد و گاهی هم موظف به تزریق واکسن و سرم است و بدین صورت خدمات ارزنده‌ای به پزشکی و بهداشت مملکت می‌نماید.

۳- جمعیت شیر خورشید سرخ

سومین جمعیتی که وظیفه رسیدگی به کنترل و بهبود وضعیت بهداشتی مردم در زمان قاجار را عهده دار بود و شکل‌گیری آن در ایران از نتایج تاسیس مدرسه دارالفنون بود، جمعیت شیر خورشید سرخ است.

یکی از مهمترین وظایف تشکیلات شیر خورشید سرخ جنگ با امراض ساریه خواهد بود و پریشانی احوال صحیه عمومی مملکت ما تاسیس آن را ایجاب می کرد. شیر خورشید سرخ در موارد قحطی و حریق و زلزله و سایر آفات ناگهانی بلادرنگ با وسایل ممکنه خود به یاری و کمک مصیبت زدگان خواهد شتافت.» (سند شماره ۱۰۰۳۱ ن الی ۱۰۰۷۱ ن، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۹، ۲۳)

مریضخانه ها و دارالشفاهای دوره قاجار در تهران

بیمارستان کلمه ای است فارسی مرکب از بیمارستان (آدات مکان)، عمارت یا خانه مداوای بیماران. کوتاه شدن آن در عربی مارستان است. عمارت و یا خانه ای که جهت بیماران بنا شده و در آنجا بیماران بی بضاعت را پذیرفته و به طور رایگان آنان را مداوا کرده دوا و غذا می دهند و پرستاری می کنند. (لغت نامه دهخدا، ج ۴، ۵۲۷۱، ذیل مدخل بیمارستان) مریضخانه، دارالمرضی و دارالشفای نیز مترادف بیمارستان است. دارالشفای نام مرکبی است و مفهوم داروخانه، مطب، بیمارستان یا مریضخانه را می رساند.

امروزه بنا به تعریف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، بیمارستان به مکانی اطلاق می شود که حداقل دارای ۱۵ تخت با تجهیزات و خدمات عمومی پزشکی لازم و حداقل ۲ بخش داخلی و جراحی همراه با گروه پزشکان متخصص باشد. در ابتدای دوره قاجار مراکز درمانی به سبک بیمارستان های نوین امروزی در کشور وجود نداشت و فقط برخی دارالشفاهای که مرکب از چند مطب پزشکی بودند، فعالیت داشتند. بی شک وجود بیمارستان های پیشرفته امروز موهون وجود مراکز درمانی (دارالشفاهای) اولیه می باشند. این مراکز را می توان پیوند دهنده مطب ها و حجره های طبابت قدیمی با بیمارستان های تخصصی امروزه دانست.

در کنار بیمارستان های موقفی و دولتی شکل گرفته در طول دوره قاجار در شهر تهران میسیونرها و مبلغین مذهبیهی برخی کشورهای اروپایی و آمریکا نیز تشکیلات و سازمان هایی برای بهبود وضع درمانی و بهداشت در کشور ایران و به ویژه شهر تهران دایر نمودند. در این قیامت به علت رعایت اختصار و ارائه حداکثر اطلاعات در حجم کم به توضیح مختصری در خصوص مراکز درمانی عهد قاجار در شهر تهران و نیز اشاره ای به مراکز درمانی سایر کشورها خواهیم نمود.

نام بنا	سال ساخت و موسس	دوره سلطنت	موقعیت مکانی	وضعیت کنونی	تزیینات
دارالشفای تهران	۱۳۰۴ هـ . ق. (دولتی)	فتحعلیشاه	محلہ بازار روبه روی در شمالی مسجد شاه (امام خمینی)	در نتیجه توسعه خیابان ناصر خسرو در دوران پهلوی خراب و جزء خیابان شد	هیچ مدرک و سند یا تزیینات آن در دست نیست
دارالشفای ناصر	۱۳۰۴ هـ . ق. (دولتی)	ناصرالدین شاه	از موقعیت مکانی آن اطلاعات دقیقی به دست نیامد	—	—
دارالشفای چشم	۱۳۱۷ هـ . ق.	ناصرالدین شاه	هیچ اطلاعاتی از مکان احداث آن در دست نیست	—	—
بیمارستان نظامی	۱۲۶۹ هـ . ق. (دولتی)	ناصرالدین شاه	خارج از دروازه دولت و در داخل باغ ضیاء السلطنه	امروزه هیچ نشانی از بنای آن در دست نیست	هیچ مدرک و سندی از تزیینات آن به دست نیامد
مریضخانه دولتی سینا	۱۲۹۳ هـ . ق. (دولتی)	ناصرالدین شاه	محلہ دولت، خیابان مریضخانه (امام خمینی)	در حال حاضر این بیمارستان با همین نام در	ساختمان اصلی آن با حدود ۱۴۰۰ متر مربع مساحت در زمینی ۵/۵ هکتار قرار داشت و دارای

			تعلیمی	حال فعالیت است	نمایی آجری بود که با شیوه ای کاملاً اروپایی مزین شده بود. سیر دری ستوری آن با دو شیر و یک خورشید تزئین شده بود. ورودی هلالی شکل آن از دو طرف با ستون نماهای تزئینی آجری محصور بود. پنجره های چوبی آن نیز با تزئینات قوسی شکل آجری به شیوه ای اروپایی دو تکه ای بودند.
مریضخانه سپهسالار	۱۲۹۶ هـ. ق. (وقفی)	ناصرالدین شاه	محلّه دولت، (ضلع جنوب شرقی بهارستان) در داخل باغ میرزا حسن خان سپهسالار در کنار مسجد و مدرسه سپهسالار	در حال حاضر تمام آن مجموعه را مدرسه عالی شهید مطهری می نامند	این بنا چهار ایوانی بزرگ و دارای گنبد مدوّری می باشد، با چهار مناره بلند که پایه های هر یک تا کمر یا سنگ و با طرز زیبایی حجاری شده است. این بنا با کاشی های بسیاری زیبایی تزئین شده است و دارای کتیبه هایی است که شرح اهتمام و انجام بنا و نام متصدی و تاریخ اتمام را روی کاشی به خط سفید و متن آبی مسطور داشته است. مرحوم سپهسالار در نقشه کشی و طرز معماری و وضع ساختمان این بنای بزرگ، شکل و نقشه ابنیه شرقی اسلامی را در نظر داشته و در حقیقت در این بنا حسن سلیقه معماری دوره اخیر شرقی را به کمال رعایت نموده است.
مریضخانه وزیری	۱۸ - ۱۳۱۶ هـ ق (وقفی)	مظفرالدین شاه	در منطقه ۱۱ تهران، خیابان	در حال حاضر متروک و غیر	سازه این بنا با آجر ختایی و معیولی و ملایب گچ و خاک

			<p>ولی عصر (عج) پایین تر از چهارراه جمهوری، داخل کوچه وزیری</p>	<p>قابل استفاده است</p>	<p>است وقوس‌ها به طریق نیم دایره اجرا شده است. نمای بنا آجری است که در اثر مرور زمان مقداری فرسایش پیدا کرده است. از این بنا فعلاً پنج اتاق باقی مانده است. در قسمت غربی آن راهرویی است با دو اتاق که مدتی به عنوان مطب مورد استفاده قرار می گرفته است. کلیه نمای خارجی بنا آجر است فقط در طرفین در ورودی جنوبی، نقش هایی با آجر ایجاد شده که از زیبایی خاصی برخوردار است. همچنین سر در بنا علاوه بر دو ردیف تزئینات آجری، دارای کتیبه کاشی کاری شده ای نیز می باشد.</p>
<p>مریضخانه شفا یحییان</p>	<p>۱۳۲۲ هـ. ق (وقفی)</p>	<p>مظفر الدین شاه</p>	<p>خیابان فداییان اسلام حد فاصل میدان شهدا و میدان بهارستان داخل باغ میرزا حسن خان معتدالملک یحییان</p>	<p>بنای اولیه بیمارستان تخریب و در محل آن فضای سبز برای بیمارستان فعلی ساخته شده است</p>	<p>هیچ اثری از معماری گذشته آن وجود ندارد</p>
<p>مریضخانه نظامیه احمدیه.</p>	<p>۱۳۲۲ هـ. ق. (دولتی)</p>	<p>احمد شاه قاجار</p>	<p>قورخانه کهنه واقع در ضلع جنوبی خیابان سه (غرب خیابان فردوسی جنوبی</p>	<p>در حال حاضر به کلی از بین رفته است و در محل آن مترو ساخته شده</p>	<p>با بررسی عکس های آلبوم خانه کاخ گلستان، چنین نتیجه گرفته شد که قورخانه در سال ۱۳۲۲ هـ. ق به بیمارستان تغییر کاربری داده است. این نظریه به دلیل</p>

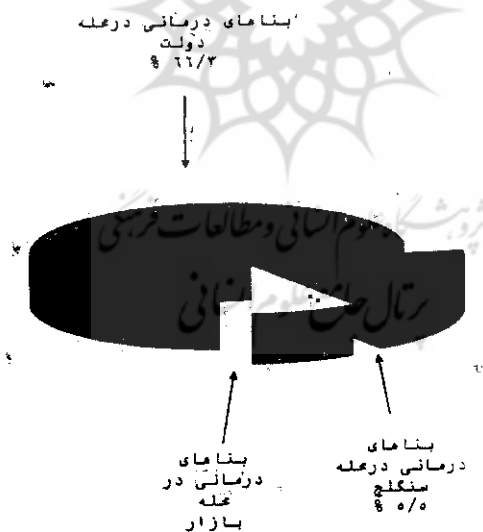
			<p>فعلی)</p>	<p>است</p>	<p>شبهات بسیار زیاد طرح های کاشی کاری طاق و قوس های ورودی بنا و همچنین وجود مناره ها قوت بیشتری می گیرد.</p>
<p>مریضخانه نسوان</p>	<p>۱۳۳۵ هـ . ق (دولتی)</p>	<p>احمد شاه قاجار</p>	<p>نزدیک دروازه دولت واقع در خیابان سعدی شمالی فعلی</p>	<p>در حال حاضر بیمارستان امیر اعلم در همان مکان در حال فعالیت است</p>	<p>پس از مطالعات انجام گرفته هیچ مشخصاتی از بنای این بیمارستان به دست نیامد</p>
<p>بیمارستان نجمیه</p>	<p>۱۳۴۵ هـ ق (وقفی)</p>	<p>رضا شاه پهلوی</p>	<p>غرب دروازه یوسف آباد، جنب خیابان یوسف آباد (بر غربی خیابان حافظ فعلی، انتهای پل دوم)</p>	<p>با بازسازی ساختمان اصلی و ایجاد ساختمان های جدید، در حال حاضر بیمارستان نجمیه در حال ارائه خدمات می باشد.</p>	<p>بنای ۱۲۰۰ متر مربعی بیمارستان در باغی به مساحت ۷۰۰۰ ذرع به صورت آجری با سقف شیروانی و در و پنجره های چوبی در یک طبقه ساخته شد. این بنا دارای یک راهروی طولی است که اتاق هایی در طرفین این راهرو قرار گرفته اند و در انتها به اتاقی بزرگ ختم می شود این بنا دارای دو زیرزمین مجزا در قسمت شمال شرقی و غرب بوده و در فضای باز ضلع جنوبی به صورت باغچه بندی و فضای سبز آنجا موجود می باشد. بیمارستان در قسمت شرقی خود دارای سر در زیبایی است که دارای "تزیینات" مفرسکازی گچی می باشد. در جبهه جنوبی ایوانی که از بدنه بنا بیرون زده است، قرار دارد. ستون هایی با اسکلت چوبی و نمای گچ</p>

					<p>بری می باشد. در بالای سر در ورودی و جبهه شرقی نیز کاشی خشتی به کار رفته است. حداقل فاصل انتهای بدنه و سقف شیروانی تزئینات آجر تراش به صورت مقرنس کاری است.</p>
<p>مریضخانه و یتیم خانه خواهران</p>	<p>۱۲۹۷ هـ. ق.</p>	<p>ناصرالدین شاه</p>	<p>در حوالی دروازه قزوین</p>	<p>با توجه به بررسی های انجام شده هیچ اثری از بنای اصلی و احتمالا ویرانه های آن به دست نیامد</p>	<p>این بنا به شیوه های اروپایی با استفاده از ستوری و ردیفی از ستون ها ساخته شده بود که به شیوه دالبری تزئین یافته بودند. در حاشیه بام وزیر ستوری نیز ردیفی از نقوش تزئینی قرار دارند که تزئینات گچ بری به نظمی رسند. همچنین بر روی بام بادگیرهای کلاهک دارای جهت ورود تور و هوا به داخل وجود داشته است. این بنا در دو طبقه ساخته شده بود که هر اتاق با یک در و یک پنجره بزرگ رو به حیاط و فضای سبز داخل آن باز می شد.</p>
<p>مریضخانه آمریکاییان</p>	<p>۱۳۱۱ هـ . ق (میسونرهای آمریکایی)</p>	<p>ناصرالدین شاه قاجار</p>	<p>ابتدا در خیابان زاله حوالی آب سردار قرار داشت، اما در زمان پهلوی اول به سرآب کرج (بلوار کشاورز) منتقل شد.</p>	<p>بنای اولیه بیمارستان تغییر کاربری داده و در ساختمان دبیرستان پسرانه ای به نام شاهد مدرس، دایر است. در بنای</p>	<p>عمارت آجری این بیمارستان به شکل صلیب خوابیده با دیوارهای بسیار قطور، برای جلوگیری از ورود و خروج گرما و سرما، درست شده است. در چهار زاویه قائم خارجی این صلیب چهار بنای شش ضلعی ساخته شده که از خارج سه ضلع آن قابل رویت است. این</p>

<p>بیمارستان پنجره های چوبی داشته که اطراف هر پنجره تزیینات آجری قرار دارد که در قسمت بالای پنجره ها قوسی شکل می شود. سر در ستوری عمارت محکمه همانند بیمارستان دولتی و مریضخانه مدرسه دولتی سن زوزف نشان از عمارتی به سبک معماری اروپایی دارد. سقف شیروانی این بنا که تا زمان حاضر نیز مورد استفاده قرار می گیرد، نشان از فراگیری دقیق صنعت شیروانی سازی اروپا توسط ایرانیان است. این صنعت در اواسط دوره قاجار وارد معماری ایران شد.</p>	<p>دوم آن نیز بیمارستان ساسان مشغول فعالیت است.</p>				
<p>تنها اشاره در مورد تزیینات این بنا مطلبی است که محسن روستایی در کتاب تاریخ طب و طبابت در ایران نقل کرده است و این بیمارستان را از نظر بنا و معالجه بیماران یکی از بهترین بیمارستان های آن دوره نام برده است.</p>	<p>با توجه به بررسی های انجام شده هیچ اثری از بنای آن به دست نیامد</p>	<p>خیابان آقا شیخ هادی</p>		<p>۱۳۵۰ هـ ق (خصوصی)</p>	<p>بیمارستان معتمد</p>
<p>_____</p>	<p>_____</p>	<p>خیابان ناصریه</p>	<p>_____</p>	<p>_____</p>	<p>بیمارستان همت</p>
<p>_____</p>	<p>_____</p>	<p>خیابان لاله زار</p>	<p>_____</p>	<p>_____</p>	<p>بیمارستان صحت</p>

یافته های حاصل از جدول بالا در نمودار شماره ۴ به طور خلاصه ترسیم شده اند. با توجه به این نمودار در دوران حکومت برخی پادشاهان نظیر آغا محمد خان و محمد شاه قاجار به علت

مشکلات سیاسی و اقتصادی هیچ بنای درمانی ساخته نشده است. در حالی که در دوران حکومت فتحعلیشاه و محمد علی شاه یک بنای درمانی، در دوران حکومت مظفرالدین شاه و احمد شاه دو بنای درمانی و در طول حکومت ناصرالدین شاه شش بنای درمانی ساخته شده است. اولین بنای درمانی ساخته شده دارالشفای طهران است که در زمان حکومت فتحعلیشاه ساخته شد. با شروع حکومت ناصرالدین شاه و در پی مسافرت های وی به کشورهای اروپایی تحول بنیادین در تعداد بناهای درمانی، نوع معماری و روش های درمان بیماری ها حاصل شد. به طوری که دارالشفای ناصری ویژه افراد نظامی و دارالشفای چشم ساخته شده در دوران مظفرالدین شاه، ویژه بیماری های چشم پس از این دوران ساخته شدند. در دوران حکومت مظفرالدین شاه برای اولین بار شاهد تاسیس بناهای درمانی به صورت وقف هستیم. این روند در دوران محمد علیشاه و نیز رضا شاه پهلوی ادامه داشته است. در دوران آخرین پادشاه قاجار کازبری بناهای درمانی تخصصی تر شده به طوری که بیمارستانی جهت نظامیان و نیز بیمارستانی ویژه زنان در این دوران تاسیس شدند.



نمودار شماره ۴. پراکندگی بناهای درمانی در دارالخلافه تهران

سخن آخر

منابع تاریخی موجود در مورد مراکز درمانی قبل از اسلام بسیار اندک بوده و آنچه که به طور پراکنده و محدود مورد اشاره قرار گرفته است فاقد ارزیابی دقیق و تجلیل معماری این مراکز است. از بقایای آثار معماری این دوره در هیچ یک از منابع تاریخی و یا گزارش های بالستان شناسی به عنوان مکان درمانی نام برده نشده است. فراتر از این محدودیت ها، نقایص منابع موجود است که عمدتاً جنبه توصیفی داشته و از هرگونه بررسی جامع و تجلیل عملکردی فضاها محروم هستند.

از جندی شاپور می توان به عنوان مهم ترین و بزرگ ترین مرکز علمی بناسانیان یاد کرد هرچند در مورد تاریخ دقیق تاسیس آن اطلاعاتی در دست نیست. اما در زمان خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹ م) فعالیت علمی و آموزشی آن به اوج خود رسیده است و بعدها الگوی مراکز علمی در دوره های دیگر قرار گرفت. در واقع یکی از علل شهرت و اعتبار تاریخی این مرکز علمی تداوم فعالیت آن تا قرن دوم و سوم ق است یعنی در زمانی که در هیچ یک از سرزمین های اسلامی یا اروپایی تا این حد به فراگیری و انتقال علوم توجه نمی شد. تا این که در سال ۱۹۵ ق هارون الرشید خلیفه عباسی در بغداد بیمارستانی تاسیس کرد و برای طبابت و تصدی قسمت های مختلف آن به علت عدم وجود پزشکان حاذق در بغداد از پزشکان و دارو سازان جندی شاپور دعوت کرد. بدین صورت مرکز علوم به تدریج به شهر بغداد منتقل شد. دانشمندان این مرکز تا قرن ششم ق به ترجمه و تألیف کتب طبی پرداختند، تا این که با تألیف کتاب ذخیره خوارزمشاهی به زبان فارسی توسط سنید اسماعیل گرگانی طب اسلامی در ایران به اوج پیشرفت خود رسید. در دوره مغول نیز اطباء فراوانی به طبابت و خدمت به مردم مشغول بودند، می توان از خواجه رشید الدین فضل الله (۶۴۵-۷۱۸ ق) نام برد که با احداث مجموعه بزرگ ربیع رشیدی علاوه بر مداوای بیماران به آموزش فراگیران علم طب نیز می پرداخت. در واقع هدف اصلی ربیع رشیدی تکیه بر تعلیم و تعلم بوده و جنبه خیرات و مبرات آن در درجه دوم قرار داشته است به

گونه ای که بسیاری از شیوه های آموزشی ربع رشیدی امروزه نیز صورت می گیرد مانند کشیک اطبا در دارالشفاء، اجاره نامه طبابت به دانشجو بعد از امتحان وی و دادن تصدیق نامه طبابت.

از آن زمان تا اوایل دوره قاجار پیشرفت در طب چشمگیر و قابل ملاحظه نبود. تا این که با شروع حکومت قاجاریه در طب ایران تغییراتی حاصل شد و طب سنتی ابتدای این دوره به طب پیشرفته تبدیل شد. در اوایل این دوره با وجود آنکه اندکی از ایرانیان برای تحصیل طب جدید به اروپا رفته و مراجعت کرده بودند تغییری در وضع و رواج طب قدیم و سنتی ایران حاصل نشده بود. در آن زمان کتاب قانون شیخ الرئیس ابوعلی سینا و شرح اسباب نفیسی، معتبرترین کتب طب سنتی ایران به شمار می رفتند. برای طبیب شدن شرایط خاصی وجود نداشت و شاگردان داوطلب پس از خواندن و آموختن کتب طب سنتی در مکتب پزشکان معروف حاضر شده و پس از یاد گرفتن معاینه بیمار و نسخه نویسی که از جمله موارد اساسی در طبابت بود، خود را طبیب نامیده و بدون هیچ گونه مقرراتی به امر درمان بیماران می پرداختند.

طب جدید در ابتدا با اروپاییانی که در زمان صفویه به ایران آمدند شناخته شد و ظاهراً اولین پادشاهی که یک طبیب اروپایی برای خود برگزید نادرشاه افشار بود که طبیب فرانسوی داشت. در اوایل قرن ۱۹ میلادی، در زمان سلطنت فتحعلیشاه که مصادف با امپراطوری ناپلئون بناپارت در فرانسه و سلطه کامل انگلستان به هندوستان به وسیله کمپانی هند شرقی بود، سرزمین ایران مورد توجه ممالک اروپایی قرار گرفت و روابط آن با ممالک خارجی که از زمان صفویه آغاز شده بود رو به گسترش گذاشت و با ورود کارگزاران کشورهای اروپایی به ایران به مرور توجه مردم به علوم جدید نیز جلب شد.

در زمان سلطنت فتحعلیشاه مستشاران فرانسوی و انگلیسی پزشکانی با خود به ایران آوردند و در این بین عباس میرزا نایب السلطنه، یک پزشک انگلیسی به نام کورمیک را مخصوص خود استخدام کرد. در سال ۱۲۲۶ ق. عباس میرزا و سپهبد محمد شاه قاجار هر یک چند نفر را برای تحصیلات عالی به انگلستان فرستادند اعزام محصل به اروپا به وسیله عباس میرزا در عمل ایرانیان را

به تحصیل علم طب تشویق کرد. به ویژه اینکه بسیاری از این منحصّلین نظیر دکتر بهرام خان و حکیم قبلّی پس از بازگشت به شهرت زیادی رسیدند.

در دورانی که طب جدید اروپایی کم کم در ایران رسوخ پیدا می کرد با مقاومت طرفداران طب سنتی مواجه شد. بعضی از پیروان طب سنتی نظیر ملک الاطباء معزوف به حاجی بابای شیرازی اصولاً به طب اروپایی اعتقاد نداشتند و حتی آنرا مضر می دانستند.

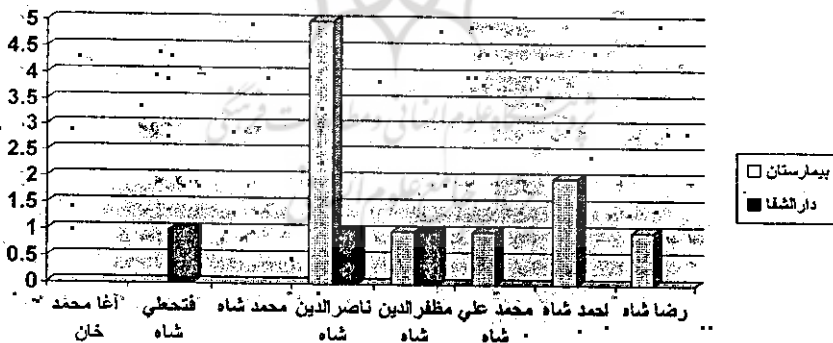
اولین معلفی که در دارالفنون طب قدیم را تدریس می کرد میرزا احمد طیب کاشانی بود که تا سال ۱۲۸۷ ق به آن کار مشغول بود. میرزا ابوالقاسم نائینی معروف به سلطان الحکما پس از وی به تدریس طب قدیم پرداخت تا اینکه در سال ۱۳۲۲ ق وی در اثر بیماری و با درگذشت و پس از فوت او دیگر طب ایرانی در دارالفنون تدریس نشد. تدریس طب ازو پایی در دارالفنون اولین بار توسط دکتر ادوارد یاکوب پولاک بود. وی در سال ۱۲۷۳ ق پس از دکتر کلوکه و قبل از استخدام دکتر طولوزان طیب مخصوص ناصرالدین شاه بود و پس از ده سال اقامت در ایران به وطن خود بازگشت. پس از عزلت دکتر پولاک از ایران یک پزشک فرانسوی به نام دکتر طولوزان به عنوان طیب مخصوص شاه استخدام شد. او هم به تدریس در دارالفنون مشغول شد ولی تدریس بشل فرعی او بود. جانشین دکتر پولاک در دارالفنون شخصی به نام دکتر شلمیر هلندی بود. در سال ۱۳۲۳ ق عده ای معلم اروپایی از طرف علاء الملک وزیر علوم آن زمان برای دارالفنون استخدام شدند که عبارت بودند از ژرژ، گاله، دانتون و المر. علاوه بر معلمین اروپایی معلمین ایرانی نظیر میرزا ابوالقاسم خکیم باشی، میرزا کاظم شیمی و میرزا محمد دکتر نیز در رشته طب فرنگی دارالفنون تدریس می کردند. پایه گذار چشم پزشکی نوین در ایران دکتر راتولد بود. ابتدا یکی از بزرگان ایران وی را برای درمان چشم به ایران دعوت نمود و سپس مقرر گردید که تدریس رشته چشم پزشکی در دارالفنون به او محول شود و عده ای را نیز تربیت کند. جمعی از چشم پزشکان مشهور آن دوران نظیر لسان الحکما، مهذب السلطنه بهرامی، امین الملک مرزبان و حسین بخان کحال از شاگردان برجسته راتولد بودند.

بعد از برقراری مشروطیت در سال ۱۳۲۴ ق از آن جایی که مدرسه طب نه برنامه مرتب اداری و نه دانشجوی قابل ملاحظه ای داشت، به دستور مظفّرالدین شاه برای سر و سامان دادن به وضع مدرسه قرار شد مقررات جدید وضع شود. به موجب این مقررات داوطلبان رشته طب بعد از اتمام دوره اول متوسطه در صورت قبولی امتحان ورودی به مدرسه عالی طب که دوره آن چهار سال شده بود، راه می یافتند.

در سال ۱۳۳۱ ق قانون الزامی شدن جواز طبابت به تصویب مجلس شورای ملی رسید به موجب این قانون برای همه رشته های پزشکی تنها گواهی نامه های صادر شده از مدارس طب داخلی و خارجی به رسمیت شناخته می شد و فقط به دارندگان این گواهی نامه ها اجازه باز کردن مطب شخصی و یا استخدام در مشاغل طبی دولتی داده می شد. از این زمان داوطلبان ورود به حرفه پزشکی عملاً از رفتن به مکتب های طبی و مطب های خصوصی باز داشته شده و مجبور به رفتن به مدرسه طب شدند و بدین ترتیب داوطلبان ورود به مدرسه طب بیشتر شده و دارالفنون مجدداً رونق گرفت. با رونق دارالفنون دانش پزشکی و تربیت پزشکان ماهر ایرانی نیز پیشرفت قابل ملاحظه ای کرد. از این رو می توان میرزا تقی خان امیرکبیر مؤسس دارالفنون را از پیشگامان اصلی این توسعه دانست. ناظم الاطباء را نیز که به دستور و با کمک ناصرالدین شاه اولین بیمارستان دولتی را تأسیس کرد می توان پیشگام در تأسیس بیمارستان در ایران دوره قاجار نامید.

در بررسی بناهای درمانی دوره قاجار به اصطلاحات دارالشفاء و بیمارستان برخورد شده است. اصولاً می توان گفت که دارالشفاه بناهایی نسبتاً کوچک بوده که معمولاً به صورت رایگان به درمان بیماران می پرداختند و حکیم باشی هایی که در آن طبابت می کردند طب را به صورت تجربی آموخته بودند. بیشتر داروهای تجویز شده گیاهی بودند که توسط حکیم باشی ها تهیه می شد. در صورتی که بنای بیمارستان ها بزرگ تر از دارالشفاه بوده و در آنها طبابتی کار می کردند که دارای تحصیلات در مراکز علمی بودند. داروهای آنان بیشتر غیر گیاهی بود و از کشورهای اروپایی بدون اخذ گمرک وارد می شد.

نمودار شماره ۵ نشان می‌دهد که بیشتر (۶۶٪) بناهای درمانی دوره قاجاریه در محل دولت ساخته شده‌اند. این خود نشان‌دهنده این است که محله دولت به علت واقع شدن ارگ سلطنتی از اهمیت بیشتری نسبت به سایر محله‌ها برخوردار بوده به گونه‌ای که از مجموع سه دارالشفای و ده بیمارستان موجود در تهران عهد قاجار بیمارستان سینا، سپهسالار، وزیریه شفا، یحییان، نسوان، نجمیه و مریضخانه آمریکاییان در محله دولت قرار داشته و دو بنای درمانی دیگر یعنی مریضخانه نظامیه احمدیه و یتیم‌خانه و مریضخانه و مدرسه خواهران تارک دنیا در محله سنگلج تهران بوده و تنها دارالشفای تهران در دوره فتحعلیشاه به عنوان قدیمی‌ترین بنای درمانی تهران در محله بازار یعنی قدیمی‌ترین محله در تهران قرار داشته است. بنابراین با توجه به نمودار ارائه شده تمرکز این بناهای درمانی در قسمت مهم و در عین حال پرجمعیت شهر نشان از دسترسی آسان طبقات مختلف اجتماعی مردم از خدمات بهداشتی این مراکز درمانی بوده است.



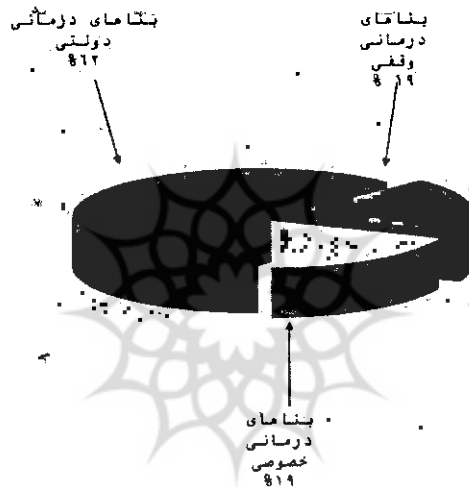
نمودار شماره ۵. مقایسه تعداد بناهای درمانی دوره قاجار و ابتدای دوره پهلوی

در تهران دوره قاجار عموماً دو نوع مرکز درمانی وجود داشت مراکز درمانی که توسط حکومت ایجاد می شد و هزینه های آن نیز از همان طریق تامین می شد و دوم بناهای درمانی وقفی که هزینه آن توسط موقوفات تامین می شد. این بناهای درمانی به هیچ وجه جنبه خصوصی نداشته و به طبقه ای خاص از اشراف و وابستگان به دربار اختصاص نداشته اند بلکه جنبه عمومی داشته و تمامی اقشار جامعه می توانستند از خدمات این مراکز حتی به طور رایگان استفاده کنند.

نمودار شماره ۶ که بیانگر نوع بناهای درمانی از لحاظ دولتی و غیر دولتی بودن آنهاست مبین این است که اکثر بناهای درمانی به وسیله دولت و تحت نظارت آن ساخته و استفاده می شده اند. درصد بالای (۶۲٪) مراکز درمانی تحت کنترل دولت را می توان این گونه تعبیر کرد که اداره مراکز درمانی تحت نظارت مستقیم دولت بوده است. بیمارستان های تحت نظارت مستقیم دولت شامل بیمارستان نظامی در خارج از دروازه دولت، بیمارستان دولتی، بیمارستان نظامی احمدیه و نسوان بودند. به جز این دسته از بیمارستان ها چهار بنای درمانی سپهسالار، وزیری، شفا بحیایان و نجمیه مخارجشان از موقوفات تامین می شد و تنها سه بیمارستان خصوصی در اواخر دوره قاجار نام های بیمارستان معتمد، صحت و همت ایجاد شدند. هزینه های این مراکز درمانی توسط بیماران تامین می شد. از این رو هزینه های درمانی این مراکز نسبت به سایر مراکز درمانی دولتی و وقفی بالاتر بوده است.

اولین بنای درمانی دارالشفای طهران است که در زمان حکومت فتحعلیشاه ساخته شد. اما با شروع حکومت ناصرالدین شاه و در پی مسافرت های وی به کشورهای اروپایی تحولی اساسی در تعداد بناهای درمانی نوع معماری و روش های درمان بیماری ها حاصل شد. به طوری که دارالشفای ناصر و ویژه افراد نظامی در این دوره و دارالشفای چشم که خاص بیماری های چشمی بود در دوران حکومت مظفرالدین شاه ساخته شدند. در دوران حکومت مظفرالدین شاه برای اولین بار بیمارستان وزیری به عنوان یک بنای وقفی تاسیس شد که این روند در طول حکومت محمد علیشاه و رضا شاه پهلوی نیز ادامه داشت. در دوران آخرین پادشاه قاجار کاربری بناهای

درمانی تخصصی تر شد. به طوری که بیمارستانی جهت نظامیان و همچنین بیمارستانی جهت زنان و کودکان به نام بیمارستان نسوان تأسیس شدند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نمودار شماره ۶. نوع بناهای درمانی دوره قاجار

در بناهای درمانی دوران قاجار شیوه ای از معماری اروپا که با معماری سنتی ایران تلفیق یافته است به چشم می خورد، به کارگیری پلان های چند ضلعی (بیمارستان آمریکایی) استفاده از تکنیک ها و مصالح ساختمانی جدید (بیمارستان آمریکایی، وزیری، سینا و نجمیه) و به کارگیری شیروانی برای پوشش بام ها (بیمارستان آمریکایی نجمیه) که تا قبل از آن تنها توسط معماران

اروپایی استفاده می شد. استفاده از سنتوری در ورودی بناهای درمانی (بیمارستان آمریکایی، سینا، مریضخانه، خواهران تارک دنیا). این دوران و استفاده از نقوش حیوانات در درون سنتوری ها نیز از ویژگی برخی از بیمارستان های ساخته شده در طول این دوره است.

سخن آخر اینکه امروزه هیچ کس منکر این نیست که در طول قرن های گذشته بیماران فراوانی با ساده ترین روش ها و به کمک داروهای گیاهی و رژیم غذایی مناسب و بسیار کم خرج درمان شده اند. با توجه به اینکه بیشتر این داروهای گیاهی به وفور و ارزان در دسترس همگان قرار دارند و نیز عوارض جانبی داروهای شیمیایی و مشکل هزینه های آن را ندارند می توان با تلفیق طب سنتی با پزشکی جدید از مزایای هر دو استفاده کرده و از ضعف های هر کدام تا حد امکان احتراز نمود.

۴۰

منابع

- آدمیت، فریدون، (۱۳۵۴) امیرکبیر و ایران، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ چهارم.
- الگود، سیریل، (۱۳۵۶) تاریخ پزشکی ایران و سرزمین های جلافت شرقی، ترجمه، باهر فرقانی، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- الگود، سیریل، (۱۳۵۷) طب در دوره صفویه، ترجمه محسن جاویدان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- بروشکی، محمد مهدی، (۱۳۶۵) برزسی روش اداری و آموزشی ربع رشیدی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- پولاک، یاکوب، ادوارد، (۱۳۶۸) مفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)، ترجمه کیاکاوس جهانپاداری، چاپ دوم، تهران، انتشارات خوارزمی.
- تاج بخش، حسن، (۱۳۷۵) تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، دو جلد، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان دامپزشکی کشور.

تاریخچه جمعیت‌های خیریه و نوع پرور شیر خورشید سرخ ایران و هلال احمر و صلیب سرخ احمر در ۱۶ صفر ۱۳۴۲، انتشارات مشهد مطبوعه خراسان، شماره سند ۱۰۳۱ ن - ۱۰۷۱ ن، موسسه تاریخ معاصر ایران.

راهنمای دانشکده پزشکی، داروسازی، دندانپزشکی و بیمارستان‌ها و آموزشگاه‌های وابسته، (بهمن ماه ۱۳۳۲) تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

روستایی، محسن، (۱۳۸۲) تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجاریان تا پایان عصر رضا شاه)، جلد ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان و کتابخانه ملی ایران. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۲۹، ۲۳ شوال ۱۲۶۷ ق.

سرمدی، محمد تقی، (شهریور ۱۳۷۸) پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان (از آغاز تا عصر حاضر)، ج ۱، تهران، انتشارات سرمدی، چاپ اول.

سرنا، کارلا، (۱۳۶۲) سفرنامه مادام کارلاسرنا (آدم‌ها و آیین‌ها)، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، انتشارات زواری.

شهری، جعفر، (۱۳۶۸) تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، ج ۲، چاپ اول، تهران، انتشارات خدمات فرهنگی رسا.

شهری، جعفر، (۱۳۷۱) طهران قدیم، ج ۲، تهران، انتشارات معین.

شهری، جعفر، (۱۳۵۷) گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی تهران قدیم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

غفاری، ابوالحسن، (۱۳۶۸) روابط ایران و فرانسه از ترور ناصرالدین شاه تا جنگ جهانی اول، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

قاسمی، پویا، اقبال، (۱۳۷۷) مدارس جدید در دوره قاجاریه بنیان و پیشروان، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

قدسی، مهدی، (بی تا) تاریخچه خدمات پنجاه ساله انستیتو پاستور ایران، تهران، انتشارات انستیتو پاستور ایران.

لمبتون، آ. ک. س، (۱۳۷۵) *ایران عصر قاجار*، ترجمه سیمین فصیحی، تهران، انتشارات جاویدان خرد.

محبوبی اردکانی، حسین، (۱۳۵۴) *تاریخ موسسات تمدنی جدید*، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

مریضخانه نظامیه احمدیه، *مجموعه اسناد تصویری کاخ گلستان*، آلبوم ۹۷۵، عکس های شماره ۱ - ۲۹.

مستوفی، عبدالله، (بی تا) *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، ج ۱، چاپ اول، تهران، کتابفروشی زوار، چاپ دوم.

مصطفوی، جلال و پاکدامن، ابوالقاسم، (آذرماه ۱۳۵۸) *مقایسه طب قدیم ایران با پزشکی نوین*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

نجم آبادی، محمود، (۱۳۵۳) *تاریخ طب در ایران پس از اسلام*، ج ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

نجم آبادی، محمود، (۱۳۲۸) «اهمیت و عقاید ابو علی سینا در طب»، *مجله شیر خورشید سرخ*، شماره ۳، دوره دوم، ص ۷-۱۱.

نقیسی، علی اکبر، (۱۳۴۳) *فرهنگ نفیسی*، ج ۱، تهران، انتشارات مروی.

نقیسی، علی اکبر، (۱۳۱۷ ق) *پزشکی نامه*، تهران، چاپ سنگی.

نوایی، عبدالحسین، (۱۳۶۴) *ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصری*، چاپ اول، تهران، انتشارات موسسه نشر هما.

هدایتی، سید جواد، (۱۳۸۱) *تاریخ پزشکی معاصر ایران از تاسیس دارالفنون تا انقلاب اسلامی*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، چاپ اول.

یادنامه حکیم عبدالله خان احمدیه، (زمستان ۱۳۸۱) چاپ اول، انتشارات موزه ملی تاریخ علوم پزشکی.